

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۷، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۵

صفحات ۱۶۳ تا ۱۷۶

حق بر علنی بودن دادرسی به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم

در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

بهزاد رضوی فرد*

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

حسین قربانزاده

دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی

(Email: H.ghorban92@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶)

چکیده

اعتقاد به لزوم جاری شدن عدالت در جریان رسیدگی‌های کیفری در زمره اصول بنیادین نظام‌های حقوقی قرار دارد که با ایجاد درکی عمومی از روند رسیدگی‌ها، از طریق حضور مردم تقویت خواهد شد. با این توصیف، منظور از علنی بودن دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شده، چگونگی جریان موقوف را از نزدیک مشاهده کنند و به اجرای دقیق قوانین، بی‌نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی، اطمینان پیدا نمایند. البته نباید از نظر دور داشت که مرئی و در منظر بودن قضات و طرفین دعوی، می‌تواند به افزایش کیفیت رسیدگی و صدور حکم عادلانه در محاکم کمک بسزایی کند. از این‌رو، هدف نگارندگان مقاله پیش رو آن است که با بررسی سیر تحولات بین‌المللی در محاکم کیفری از آغاز تاکنون، شمایی کلی از این روند را به دست خواننده داده، از این رهگذر، اشارتی گرچه مختصر به پرونده‌های شایان بررسی در این زمینه داشته باشند. به این ترتیب، درکی کلی که ضمن مطالعه موردی پرونده‌های کیفری بین‌المللی در این زمینه حاصل می‌شود، نشان از سیر تکاملی شناسایی این حق برای متهمان خواهد داشت.

واژگان کلیدی

حقوق دفاعی متهم، دادرسی منصفانه، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، علنی بودن دادرسی.

Email: razavi1351@yahoo.com

* نویسنده مسئول، فکس: ۰۲۱۴۴۷۲۴۱۱۹

مقدمه

در زمان تشکیل دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، در زمینه حقوق متهم معیاری جز قوانین ملی وجود نداشت و دادرسی از مرحله محاکمه آغاز می‌شد. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا، هنگامی از سوی شورای امنیت سازمان ملل تشکیل شدند که با توجه به تصویب اسناد بین‌المللی حقوق بشر و ایجاد نهادهای نظارتی بر اجرای این اسناد، تحولات عمیقی در زمینه حقوق متهم به وجود آمده بود. دادگاه‌های پیش‌گفته به دلیل رویارویی با مواردی همچون نداشتن دسترسی به منابع مالی کافی، ناتوانی در حمایت از شهودی که مدرک اصلی برای اثبات به‌شمار می‌روند و همکاری نکردن دولت‌ها، مبادرت به ارائه تفاسیری از مقررات راجع به حقوق متهم نموده‌اند که به نظر نمی‌رسد با موازین حقوق بشر منطبق باشد. به همین دلیل، می‌توان بر این اعتقاد بود که از زمان تشکیل دادگاه نورنبرگ تاکنون، تغییری در وضعیت متهمان ایجاد نشده است. از آنجایی که هیچ‌یک از دو تجربه پیش‌گفته برای دادگاهی دائمی که به هدف اجرای عدالت بین‌المللی تأسیس شده بود، مناسب به نظر نمی‌رسید، دادگاه کیفری بین‌المللی نیز باید به اعمال صلاحیت نسبت به جنایاتی مبادرت نماید که در کشورهای مختلف به وقوع می‌پیوندند. به این ترتیب، نگرانی طراحان اساسنامه و قواعد دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی از وجود موانع و مشکلاتی که می‌تواند آینده دادگاه را با خطر مواجه نماید، باعث شده است که مقررات حاکم بر مرحله محاکمه به گونه‌ای تنظیم شود که احتمال تفاسیری مشابه با تفاسیر ارائه‌شده از سوی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا را افزایش می‌دهد.

با در نظر گرفتن توضیحات پیشین، علنی بودن دادرسی وضعیتی است که در آن، جلسات رسیدگی به اتهام متهم بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه‌های عمومی تشکیل و اداره می‌شود. این وضعیت، امروزه یکی از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه و حقی از حقوق بشر در دعاوی کیفری شمرده می‌شود. اصل علنی بودن دادرسی متکفل تأمین دو مصلحت است؛ یکی حمایت از متهم در برابر محاکمات سری، و دیگری جلب اعتماد عمومی به اجرای عدالت (Bassiouni, 2003, p.609). شرط علنی بودن دادرسی، نماد اجرای عدالت است و عنصر اساسی در تضمین حق بر محاکمه عادلانه به‌شمار می‌رود (Cremona: 1988, p.107). به این ترتیب، عدول از اصل علنی بودن دادرسی، جز در موارد مصرح در قانون که تنها در شرایطی دموکراتیک و در نتیجه موازنه منافع و ارزش‌های متعارض تجویز می‌شود، نقض اصول دادرسی منصفانه و نادیده گرفتن حقوق اساسی افراد تلقی می‌گردد.

در مقاله حاضر با هدف بررسی تحولات شناسایی حق بر دادرسی علنی به‌عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم در جریان دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، ابتدا به بررسی محاکم نسل اول، سپس نسل دوم و در پایان به دادگاه کیفری بین‌المللی به‌عنوان نسل چهارم و آخرین نسل از

محاکم کیفری بین‌المللی پرداخته می‌شود. از این رهگذر اشاراتی هرچند مختصر به عناوینی همچون حفاظت از اطلاعات محرمانه، تشکیل غیرعلنی جلسات در دیوان کیفری بین‌المللی و ... خواهیم داشت.

حق متهم بر علنی بودن دادرسی

علنی بودن دادرسی از تضمینات مهمی است که در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی و بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی پیش‌بینی شده است. چنین تضمینی از یک سو باعث رعایت حق مردم به نظارت بر عملکرد نهادهای حکومتی شده (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵) و از سوی دیگر، قضات دادگاه نیز تلاش خود را برای رعایت کلیه موازین حاکم بر دادرسی به کار می‌برند. به این ترتیب، اقدامات خودسرانه مقامات قضایی تحت کنترل درآمده، دادگاه نیز تحت تأثیر نهادهای دیگر قرار نمی‌گیرد. کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی و دیوان اروپایی در تصمیمات متعددی^۱ به اهمیت این حق اشاره کرده‌اند؛ به گونه‌ای که کمیته حقوق بشر حتی در محاکمه متهمان جرائم تروریستی هم بر علنی بودن دادرسی تأکید نموده است (UN Doc. CCPR/C/79/Add. 67, 25 July 1996).

باید توجه داشت که شرط علنی بودن نسبت به همه مراحل فرایند قضایی اعمال نمی‌شود، بلکه تنها نسبت به مرحله استماع طرفین، یعنی بررسی شفاهی ادله و لوائح آن‌ها، ضرورت دارد. بر این اساس، کمیته حقوق بشر، رسیدگی استینافی را که محدود به امور حکمی است و به یک مسئله حقوقی محدود می‌شود، از شمول شرط علنی بودن خارج دانسته است (No. 301/1988, p 6.4)، اما این عقیده به نظر کامل نیست؛ چراکه ممکن است رسیدگی استینافی ماهیتی داشته باشد که نسبت به یک اتهام کیفری یا حقوق و تعهدات در یک دعوی مدنی، تعیین‌کننده باشد و علنی بودن ضرورت یابد. به همین دلیل، کمیته حقوق بشر در قضیه دیگری موضع خود را اصلاح کرد (No. 387, 1989, P. 7.3). در دیوان کیفری بین‌المللی نیز به دلیل آنکه پژوهش‌خواهی از امور حکمی و امور موضوعی، هر دو امکان‌پذیر است^۲، شرط علنی بودن در مرحله پژوهشی نیز ممکن است لازم باشد. افزون بر این، در دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا نیز رسیدگی در مرحله تجدیدنظر به‌طور شفاهی انجام می‌گیرد، لوائح

1. Asch V. Austria, 26 April 1991; Helmers V. Sweden, 29 October 1991.

۲. نک: ماده ۲۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا و ماده ۸۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

طرفین دریافت گردیده، آنگاه در تاریخ تعیین شده جلسه استماع آنان برگزار می‌شود.^۱ از آنجا که اصل در استماع، علنی بودن آن است، می‌توان نتیجه گرفت که رسیدگی این محاکم در مرحله تجدیدنظر نیز باید علنی باشد؛ در حالی که در دیوان کیفری بین‌المللی رسیدگی پژوهشی کتبی خواهد بود، مگر شعبه تصمیم بگیرد که استماعی انجام شود.^۲

باید در نظر داشت که اصل علنی بودن در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر اغلب به همراه استثناهایی آمده است.^۳ پرسشی که در اینجا باید به آن پاسخ داده شود این است که آیا دلایل و موجهاتی که اجازه عدول از اصل علنی بودن دادرسی را به محاکم ملی می‌دهد، در محاکمات کیفری بین‌المللی هم می‌توان به آن‌ها استناد کرد؟

به‌ظاهر در اساسنامه‌های محاکم کیفری بین‌المللی موجود، انجام محاکمه سری، تنها در صورت ضرورت به دلیل لزوم حمایت از قربانیان و شهود پیش بینی شده است؛ البته اساسنامه رم متهم را نیز به آن افزوده است.^۴ حق محاکمه علنی در بند ۲ ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق به ماده ۲۲ این اساسنامه مقید شده است. ماده ۲۲ با عنوان «حمایت از قربانیان و شهود» دادگاه را مکلف کرده است تا در قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات خود، حمایت از قربانیان و شهود را پیش بینی کند. اقدامات حمایتی به این منظور، البته نه منحصرأ، شامل دادرسی غیرعلنی و حفاظت از هویت قربانی خواهد بود. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در بند ۲ ماده ۶۸، استثنایی را در اصل علنی بودن دادرسی مطرح کرده است و می‌گوید: «شعب دیوان می‌تواند برای حمایت از قربانیان و شهود یا متهم، هر بخشی از دادرسی را غیرعلنی اداره کنند، یا اجازه ارائه ادله را از طریق ابزار الکترونیکی یا دیگر وسایل مخصوص بدهند. چنین اقداماتی، به‌ویژه در مورد قربانی جنایت جنسی، یا کودکی که قربانی یا شاهد است، باید انجام گیرد، مگر آنکه با ملاحظه همه شرایط بویژه نظرات قربانی یا شاهد، دیوان به‌گونه‌ای دیگر تصمیم بگیرد».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در اساسنامه‌های محاکم بین‌المللی موجود تنها یک دلیل به صراحت برای غیرعلنی شدن دادرسی پذیرفته شده است و از دلایل یادشده در میثاق

۱. مواد ۲۵ و ۲۴ به ترتیب در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا و قاعده ۱۱۴ در آیین‌های دادرسی و ادله اثبات این محاکم.
۲. بند ۳ قاعده ۱۵۶ آیین دادرسی و ادله اثبات دیوان کیفری بین‌المللی.
۳. البته در اعلامیه جهانی حقوق بشر بدون قید و شرط آمده، و در اصلاحیه ششم قانون اساسی ایالات متحده امریکا نیز چنین است.
۴. نک: ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا و ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر خبری نیست (فضائلی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۰).

صرف‌نظر از آنکه مرحله تحقیقات، هم به دلیل رعایت حقوق متهم و هم کشف حقیقت باید به صورت غیرعلنی انجام شود (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۳۴۴)، در مرحله محاکمه نیز نفع متهم و جامعه اقتضا می‌کند (خالقی، ۱۳۸۳، ص ۴۱) که در برخی شرایط، رسیدگی‌ها به صورت غیرعلنی برگزار شود. در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، امنیت، نظم، اخلاق و مواردی که به مصالح عدالت آسیب وارد می‌آورد و از مصادیق آن می‌توان به نظم جلسات دادگاه، حفاظت از اسناد محرمانه نظامی و تأثیر منفی محاکمه بر مردم اشاره کرد (Safferling, 2001, p.229-230, 231). از مواردی شناخته شده است که غیرعلنی بودن محاکمه را توجیه می‌کند.

دیوان اروپایی نیز در خصوص حمایت از اخلاق به عنوان یکی از استثناهای علنی بودن، اعلام کرده است که تفسیر این واژه برعهده مقامات قضایی است، اما تصمیم به غیرعلنی برگزار کردن محاکمه باید متناسب با هدفی باشد که دادگاه دنبال می‌کند^۱. به عبارت دیگر، دادگاه‌ها نمی‌توانند به ذکر عبارات کلی همانند نظم عمومی و اخلاقیات اکتفا نمایند، بلکه مکلف‌اند دلایل چنین اقدامی را به صورت شفاف به اطلاع عموم برسانند.

بدین‌سان علنی بودن دادرسی را نمی‌توان حق مطلق برای متهم محسوب کرد، زیرا ممکن است حقوق سایر افراد با این اقدام در معرض خطر قرار گیرد. به همین دلیل، مقامات قضایی باید با توجه به شرایط هر پرونده و با درنظر گرفتن حقوق و منافع که هر یک از طرفین دادرسی واجد آن است، در خصوص موضوع، تصمیم‌گیری نمایند. نظارت جامعه جهانی بر فرایند دادرسی، از جمله مواردی است که دادگاه باید در هنگام اتخاذ تصمیم، آن را مدنظر قرار دهد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

اما در دادگاه کیفری بین‌المللی، بر اساس بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه، متهم حق دارد که به صورت علنی محاکمه شود؛ اما این حق به اموری از جمله حمایت از اطلاعات محرمانه‌ای مقید شده است که امکان افشای آن در دادگاه وجود دارد.

علنی بودن دادرسی در محاکم نسل اول و دوم کیفری بین‌المللی

در اساسنامه و قواعد دادرسی دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، اشاره‌ای به علنی برگزار شدن محاکمات نشده بود. تنها در ماده ۷ از قواعد دادرسی دادگاه نورنبرگ مقرر شده بود که تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی برگزاری جلسات دادرسی در شرایط خاص و استثنایی به

1. Handyside V. United Kingdom, 7 December 1976.

صورت غیرعلنی امکان پذیر است. به این ترتیب، هیچ ممنوعیتی در برگزاری علنی رسیدگی‌ها وجود نداشت.

به نظر می‌رسد علت این امر از یک سو آن باشد که دادگاه‌های یادشده به نیابت از جامعه جهانی به محاکمه متهمان اقدام می‌کردند و بنابراین، طبیعی بود که حق نظارت بر چگونگی انجام آن نیز وجود داشته باشد و از سوی دیگر، ممکن بود اتهامات وارده به متهمان، اغراق آمیز به نظر آمده و انجام محاکمات صرفاً یک نمایش قدرت و تحمیل اراده غالب بر مغلوب شمرده شود. به همین دلیل برای رفع هرگونه شائبه ای، کلیه جلسات دادرسی در دادگاه‌های توکیو^۱ و نورنبرگ به صورت علنی برگزار گردید؛ به گونه‌ای که از سراسر جهان رسانه‌های جمعی برای پوشش خبری محاکمات حضور پیدا کرده بودند (Marrus, 1997, p.242).

اما به نظر می‌رسد قصد اصلی متفقین در علنی برگزار کردن جلسات محاکمه، نه رعایت حق جامعه جهانی، بلکه انعکاس گسترده پیروزی نظامی و سیاسی بر دولت‌هایی بوده است که در جریان جنگ دوم جهانی از حمایت‌هایی نیز برخوردار شده بودند.

با توجه به شدت و گستردگی جنایات ارتكابی در قلمرو یوگسلاوی سابق و رواندا که باعث تحریک افکار عمومی در سطح گسترده‌ای شده بود و تشکیل دادگاه‌هایی برای رسیدگی به این جنایات از سوی شورای امنیت به عنوان یک نهاد سیاسی، ضروری می‌نمود محاکمات به صورت علنی برگزار شود. به همین دلیل، در اساسنامه تنظیمی از جانب دبیرکل سازمان ملل به صراحت به این موضوع اشاره شد.

در جریان تشکیل دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، درگیری‌هایی پراکنده همچنان در قلمرو این کشورها ادامه داشت. به همین دلیل شاید علنی برگزار شدن جلسات دادرسی، هشدار برای مسئولان این اقدامات و سایر متهمانی بود که دستگیر نشده بودند.

بدیهی است که گزارش دبیرکل سازمان ملل و اساسنامه پیشنهادی به شورای امنیت، نمی‌توانست حاوی جزئیاتی در خصوص چگونگی رعایت حق متهم، دایر بر علنی برگزار شدن دادرسی و منافع سایر اشخاص باشد. به همین دلیل، در هنگام تنظیم قواعد دادرسی و با توجه به آنکه در هنگام رسیدگی به اتهامات، از یک سو، احتمال بررسی اسناد و مدارکی که حاوی اطلاعات محرمانه بود، وجود داشت و از سوی دیگر، شهود نیز که مهم‌ترین دلیل دادستان در اثبات اتهامات به شمار می‌رفتند، باید شخصاً به ادای شهادت مبادرت می‌کردند. در غیر این صورت، شهود به دلیل خطرهای احتمالی، از ادای شهادت خودداری ورزیده، همین امر باعث ایجاد وقفه در انجام مأموریت دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا می‌شد، زیرا امکان اثبات جرائم

1. Clancey, Patrick, Judgment International Military Tribunal For The Far East At www.Ibiblio.org/Hyperwar/pto/IMTFE/IMTFE-1.HTML.

ارتكابی بدون همکاری شهود تقریباً از بین می‌رفت. اما به نظر می‌رسد، مقررات پیش‌بینی شده، اهمیت بیشتری را برای منافع شهود در مقایسه با حقوق متهم قائل گردیده‌اند.

البته باید افزود که در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، با توجه به آنکه مدارک کتبی نقش عمده‌ای در اثبات اتهامات ایفا نمودند، نیازی به حمایت از شهود از طریق غیرعلنی برگزار نمودن جلسات دادرسی احساس نشد. همچنین باتوجه به تسلیم بی‌قید و شرط آلمان و ژاپن و قرار گرفتن زمام امور این کشورها در دست متفقین، افشای اسناد محرمانه نظامی نیز نمی‌توانست از لحاظ امنیتی خطرهایی در پی داشته باشد.

برخلاف دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، موفقیت دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا در گرو همکاری شهود است (تقی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴). شهود نیز تنها زمانی حاضر به همکاری با دادگاه خواهند شد که اطمینان حاصل نمایند خطری بابت ادای شهادت آنان را تهدید نمی‌کند. اما با توجه به عدم پیش‌بینی امکاناتی برای حمایت از شهود در خارج از دادگاه، غیرعلنی برگزار نمودن دادرسی، همواره به عنوان مؤثرترین اقدام، مورد توجه دادگاه‌های یادشده قرار گرفته است. به همین دلیل، هرچند در اساسنامه، علنی بودن رسیدگی‌ها پیش‌بینی شده است^۱، دادگاه می‌تواند به دلیل حمایت از شهود، تصمیمی برخلاف آن اتخاذ نماید^۲. در ماده ۷۸ قواعد دادرسی نیز مقرر شده است: «رسیدگیها به صورت علنی است مگر آنکه ترتیب دیگری پیش‌بینی شود». اخلاق، نظم عمومی، سلامت و امنیت، و عدم افشای هویت قربانی یا شهود و همچنین حمایت از مصالح عدالت، از مواردی شناخته شده‌اند که دادگاه می‌تواند به استناد آنها دستور غیرعلنی بودن دادرسی را صادر نماید^۳.

به این ترتیب، می‌توان بر این اعتقاد بود که علنی بودن دادرسی به عنوان یک حق برای متهم و یک اصل شناخته شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، باوجود ظاهر ماده ۷۸ قواعد دادرسی، تبدیل به یک استثنا شده و تصمیم در خصوص چنین موضوعی کاملاً به نظر قضات واگذار شده است. به ویژه آنکه عباراتی کلی همانند اخلاق و مصالح عدالت، می‌تواند باعث ارائه تفاسیر متعددی شود. برای مثال همچنان که ذکر شد، حمایت از شهود، از مصادیق مصالح عدالت به شمار می‌رود و با توجه به آنکه این مصداق به صورت جداگانه به عنوان یکی از دلایل غیرعلنی برگزار شدن دادرسی مطرح شده است، مشخص نیست که مصالح عدالت شامل چه موارد دیگری خواهد شد.

در قضیه ناهیمانا، دادگاه رواندا اعلام کرد که اگر به دلیل علنی برگزار شدن محاکمه، ادامه

۱. به ترتیب در بند ۲ مواد ۲۱ و ۲۰ اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

۲. به ترتیب در مواد ۲۲ و ۲۳ اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

۳. ماده ۷۹ قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

تحقیقات دادستان با موانعی روبرو شود، مصالح عدالت اقتضا می کند شهادت شهود در جلسه غیرعلنی استماع شود.^۱ به عبارت دیگر، حتی اگر حمایت از شهود ضرورتی نداشته باشد و خطری نیز آنان را تهدید نکند، موانعی که ممکن است برای دادستان به وجود آید، غیرعلنی بودن جلسه را توجیه می کند. اما دادگاه توضیح نمی دهد موانعی که برای دادستان به وجود می آید، تا چه حد می تواند برای ادامه مأموریت نامبرده و به صورت کلی تر برای اهداف دادگاه، خطرآفرین باشد. آیا رفع چنین خطری از حفظ حقوق متهم اهمیت بیشتری دارد؟

شاید بتوان استدلال کرد که ادای شهادت، احتمال به خطر افتادن امنیت شهود یا خانواده آنان را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا هرچند از جانب متهم در بازداشت، خطری آنان را تهدید نمی کند، اما به دلیل آنکه در ارتکاب جنایات تحت صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، انگیزه و قصد سیاسی نقش مهمی را ایفا می کند و متهمان نیز ممکن است از مقامات بلندپایه سیاسی کشورها باشند، احتمال وجود خطر از ناحیه بستگان متهمان، نسبت به شهود و خانواده آنان وجود دارد. اما از یک سو، ادای شهادت ممکن است خطری را متوجه شهود نکند و از سوی دیگر، از دیدگاه دادستان یا قضاات دادگاه، اظهارات شهود ممکن است موانعی را در ادامه تحقیقات و برای مثال در دستگیری دیگر متهمان ایجاد نماید. به این ترتیب، در کلیه جلساتی که شهود به ادای شهادت مبادرت می کنند، خطر غیرعلنی برگزار شدن جلسات دادرسی، متهم را تهدید خواهد کرد (تقی پور، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶).

ممکن است مواردی که در اساسنامه و قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا پیش‌بینی شده است و غیرعلنی برگزار شدن جلسات دادرسی را توجیه می کند، مشابه موارد مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر باشد. اما باید به این نکته توجه کرد که تفاسیر ارائه شده از این اسناد، به دادگاه‌ها اجازه نمی دهد که با بیان عبارات کلی، اقدامات خود را توجیه کنند. به همین دلیل، دادگاه یوگسلاوی در قضیه فروندزیجا اعلام کرد، قضاات باید به صورت مستدل در خصوص کلیه تصمیمات خود اظهارنظر نمایند.^۲ بدیهی است یکی از این تصمیمات درباره غیرعلنی برگزار کردن جلسات دادرسی خواهد بود.

هرچند باید اذعان کرد که علنی بودن دادرسی بر طبق نظام بین‌المللی حقوق بشر، اصل مطلق به شمار نمی رود، اما نه تنها به عنوان یک استثنا نیز نباید مدنظر قرار گیرد، بلکه در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، به دلیل آنکه احکام صادره می تواند متضمن منافع برای گروه‌های قومی و نژادی مناطق آشوب‌زده جهان باشد و این امر احتمال ایجاد شائبه طرفداری از سوی قضاات را در اذهان جهانیان در پی دارد، در هنگام اتخاذ تصمیم نسبت به غیرعلنی

1. Prosecutor V. Nahimana, 14 September 2001, para 25.

2. Prosecutor V. Frundzija, op. cit., para 69.

برگزار کردن جلسات دادرسی، حقوق متهم همواره باید بر منافع سایر اشخاص و گروه‌ها اولویت داشته باشد.^۱

۱. حفاظت از اطلاعات محرمانه

در بند ۷ ماده ۶۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌الملل مقرر شده است: «محاكمه باید به صورت علنی انجام شود. اما شعبه بدوی می‌تواند بنا به جهات مذکور در ماده ۶۸ و یا به منظور حفاظت از اطلاعات حساس و محرمانه‌ای که به‌عنوان دلیل قرار است ارائه شود، دستور انجام مراحل از محاکمه را به صورت غیرعلنی صادر کند». در خصوص این بند نکاتی چند شایان ذکر است: نخست آنکه هر چند ظاهراً اصل بر علنی بودن نهاده شده، اما استثناهای مندرج در ماده ۶۸ اساسنامه که در خصوص امنیت، سلامت جسمی، روحی و نیز شأن و امور محرمانه قربانیان و شهود است، آنچنان وسیع هستند که به‌نظر می‌رسد علنی بودن محاکمه، تبدیل به استثنا شده است.

دوم آنکه شأن و امور محرمانه قربانیان و شهود، عبارات مبهمی هستند که معیاری برای شناسایی آن‌ها در اساسنامه و قواعد دادرسی دادگاه تعیین شده است و بدین‌سان، قضات دادگاه از اختیارات وسیعی در تفسیر عبارات یادشده برخوردارند.

سوم آنکه ارائه اطلاعات حساس و محرمانه به‌عنوان یکی از دلایل غیرعلنی برگزار شدن محاکمه در نظر گرفته شده است. پرسشی که در این باره مطرح می‌شود، آن است که آیا کشورها به صرف ارائه هر نوع اطلاعات محرمانه می‌توانند درخواست غیرعلنی برگزار شدن محاکمه را نمایند؟ یا اینکه افشای این اطلاعات باید تهدیدی برای امنیت ملی آن‌ها شمرده شود؟ (Safferling, 2001, p.239). با توجه به مقررات راجع به محافظت از اطلاعات محرمانه ملی که در ماده ۷۲ اساسنامه پیش‌بینی شده و بندهای مختلف آن به اطلاعات و اسنادی اشاره نموده است که افشای آن‌ها به امنیت ملی یک کشور آسیب وارد می‌کند، به‌نظر می‌رسد دادگاه تنها زمانی می‌تواند بر اساس بند ۷ ماده ۶۴ اساسنامه، جلسه را غیرعلنی اعلام نماید که افشای اطلاعات محرمانه در یک جلسه علنی به امنیت ملی یک کشور آسیب وارد کند.

موضوع دیگر قابل طرح در این باره، آن است که بر طبق بندهای مختلف ماده ۷۲ اساسنامه، به‌نظر می‌رسد تعیین محرمانه بودن اسناد برعهده دولت‌ها نهاده شده است. حال آیا دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند نظر مرجع ملی را در خصوص محرمانه بودن اطلاعات رد

۱. برخلاف جلسات دادرسی، حکم صادره به ترتیب بر طبق مواد ۲۳ و ۲۲ اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، بدون هیچ استثنایی باید به صورت علنی اعلام شود.

نماید؟ شاید بتوان بر اساس بند ۷ ماده ۷ یادشده که در خصوص اختلاف نظر میان دادگاه کیفری بین‌المللی و مرجع ملی است و در آن مقرر شده است، دادگاه می‌تواند مشورت‌های بیشتری را درخواست نماید و در این راستا جلسه‌ای را نیز به صورت غیرعلنی برگزار نماید، به این نتیجه رسید که ممکن است از نظر دادگاه، اسناد مربوط، محرمانه تلقی نشده یا به امنیت ملی یک کشور آسیب وارد نکند. اما در هر حال به نظر می‌رسد، آنچه برای دادگاه اهمیت دارد، دسترسی به اطلاعات است؛ اگرچه برای جلب نظر دولت‌ها مجبور شود برای غیرعلنی برگزار کردن جلسه محاکمه قراری صادر کند.

آنچه مطرح شد، در خصوص اطلاعات راجع به امنیت ملی یک کشور بود. اما اگر دادستان در جریان تحقیقات به اطلاعاتی دست یابد که باعث تسریع در فرایند دادرسی شده، افشای آن در جلسه علنی بدون آنکه ارتباطی به کشور خاصی داشته باشد، صرفاً باعث ایجاد موانعی در جریان تحقیقات بعدی شود، آیا دادگاه می‌تواند دستور غیرعلنی بودن محاکمه را صادر نماید؟ عبارات بند ۷ به گونه‌ای تنظیم شده است که شامل این مورد نیز می‌شود. اما با توجه به مرتبط بودن اتهامات متهمان به یکدیگر، احتمال دارد تحقیقات نسبت به قضیه تا پایان محاکمه یکی از آنان ادامه داشته باشد و همین موضوع موانعی را برای افشای اطلاعات در جلسه علنی ایجاد نماید. این در حالی است که هرچند در قوانین داخلی یک کشور معمولاً تعاریفی از اطلاعات و اسناد محرمانه ارائه شده است، اما معیاری برای چگونگی تشخیص محرمانه بودن اطلاعاتی که در اختیار دادستان قرار دارد، در اساسنامه و قواعد دادرسی در نظر گرفته نشده و در نتیجه، این امر به صلاحدید قضات دادگاه واگذار شده است.

به این ترتیب، با توجه به آنکه صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی شامل جرائمی است که عمدتاً به دلایل سیاسی ارتکاب می‌یابند، کمتر محاکمه‌ای را می‌توان پیش‌بینی کرد که اطلاعات مندرج در پرونده به امنیت یک کشور یا به ادامه تحقیقات دادستان مرتبط نبوده، به غیرعلنی برگزار شدن محاکمه منجر نشود.

موضوع دیگری که می‌تواند حق متهم بر علنی محاکمه شدن را به شدت محدود سازد، برگزاری کلیه جلسات دادرسی به صورت غیرعلنی است.

تشکیل غیرعلنی کلیه جلسات

با توجه به عبارات مندرج در بند ۷ ماده ۶۴ و بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی که مقرر کرده است: «به عنوان استثنایی بر اصل علنی بودن که در ماده ۶۷ مقرر گردیده و به منظور حفظ قربانیان و شهود و یا متهم می‌توان هر مرحله‌ای از مراحل دادرسی را به صورت غیرعلنی برگزار نمود...». امکان اتخاذ چنین تصمیمی از سوی دادگاه وجود دارد، اما وجود

اوضاع و احوالی که بر اساس آن‌ها بتوان کلیه جلسات را به صورت غیرعلنی برگزار کرد، قابل تصور به نظر نمی‌رسد.

شاید بتوان استدلال کرد که اهمیت محاکمات بین‌المللی، نقش آن در جلوگیری از ارتکاب جنایات بین‌المللی و رعایت حق جامعه جهانی که پیش از این بحث آن رفت، ایجاب می‌کند که امکان برگزاری غیرعلنی کلیه جلسات وجود نداشته باشد و حق متهم به علنی برگزار شدن دادرسی بین‌المللی، بر سایر منافع اولویت پیدا کند.

ماده ۸۷ قواعد دادرسی به عنوان یکی از اقدامات حمایتی از شهود، به دادگاه اجازه داده است که بخشی از محاکمات را به صورت غیرعلنی برگزار نماید. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که دادگاه نمی‌تواند کلیه جلسات دادرسی را با صدور قرار، غیرعلنی اعلام کند. اما اگر پذیرفته شود که ماده ۸۷ با بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی که اختیارات وسیعی را به دادگاه اعطا کرده است تعارض دارد، با توجه به بند ۵ ماده ۵۱ اساسنامه که در آن مقرر شده است: «در صورت تعارض بین اساسنامه و قواعد دادرسی، مقررات اساسنامه برتری خواهند داشت»، دادگاه می‌تواند دستور غیرعلنی برگزار شدن کلیه جلسات دادرسی را صادر نماید؛ اقدامی که به نظر نمی‌رسد با حقوق متهم و موازین حقوق بشر سازگار باشد.

صرف نظر از آنچه که مطرح شد، یادآوری نکاتی در خصوص بند ۲ ماده ۶۸ ضروری به نظر

می‌رسد:

نخست آنکه هرچند بند یادشده، از شهود و قربانیان جنایت در کنار یکدیگر حمایت کرده است، اما باید میان این دو گروه تفاوت قائل شد؛ زیرا اگر شهود دارای نگرانی‌های امنیتی هستند، افشای هویت قربانیان از لحاظ حیثیتی نیز آنان را تهدید می‌کند. به عبارت دیگر، دادگاه باید توجه بیشتری را به قربانیان معطوف داشته، بدین‌سان دایره غیرعلنی بودن دادرسی را محدود نماید.

دوم آنکه صرف شاهد بودن یا قربانی جنایت بودن نمی‌تواند اجرای اقدامات حمایتی را توجیه نماید، بلکه ادعای شهادت و یا افشای هویت در جلسه علنی باید تهدید جدی برای شاهد محسوب شده، دادستان آن را ثابت نماید.

سوم آنکه برخی معتقدند با توجه به اشاره ماده ۸۷ قواعد دادرسی به بندهای ۱ و ۲ ماده ۶۸ اساسنامه و اینکه بند ۱ ماده ۶۸ مقرر داشته است، اقدامات حمایتی نباید مغایرتی با حقوق متهم و یک محاکمه منصفانه داشته باشد، از یک سو، حق متهم باید رعایت شود و از سوی دیگر، محاکمه منصفانه ایجاب می‌کند که عدالت نسبت به قربانیان و از یک دیدگاه کلی، نسبت به جامعه بین‌المللی اجرا شود (Brady, 2001, p.440). اما هنگامی که اقدامات حمایتی از شهود و قربانیان در اساسنامه و قواعد دادرسی پیش بینی شده است، عبارت محاکمه منصفانه، معنای

دیگری جز رعایت حقوق متهم نمی‌تواند داشته باشد. به عبارت دیگر، دادگاه ضمن بررسی وضعیت شاهد و قربانی برای اتخاذ تصمیم در خصوص اقدامات حمایتی، باید حقوق متهم را نیز ملاحظه کند.

چهارم آنکه برخلاف نظر برخی که معتقدند حمایت از متهم نمی‌تواند از علل غیرعلنی برگزار شدن محاکمه تلقی شود (Donat, 1999, p.878)، باید به این نکته اشاره کرد که امنیت متهم و خانواده او نیز ایجاب می‌کند که جلسات محاکمه به صورت غیرعلنی برگزار شود. برای مثال متهم می‌تواند در جایگاه شهود حاضر شده، علیه عاملان اصلی جنایات ارتكابی که همچنان تحت تعقیب هستند، شهادت دهد. بدیهی است چنین اقدامی خطرهای جدی برای متهم به دنبال خواهد داشت؛ به همین دلیل، دادگاه می‌تواند در این مواقع، دستور غیرعلنی بودن محاکمه را صادر نماید.

در زمان بررسی پیش نویس قواعد دادرسی دادگاه کیفری بین المللی، تعدادی از هیئت‌های نمایندگی پیشنهاد کردند که با توجه به اهمیت حق متهم بر علنی بودن محاکمه، شرطی به ماده ۸۷ قواعد دادرسی اضافه شود مبنی بر آنکه اکثریت قضات موافقت خود را با غیرعلنی بودن محاکمه اعلام نمایند؛ پیشنهادی که به تصویب نرسید (Brady, 2001, p.445). هرچند تصمیم یک قاضی به برقراری اقدامات حمایتی از شهود و قربانیان جنایت، تسریع در فرایند دادرسی را در پی خواهد داشت، اتخاذ تصمیم راجع به چنین موضوعی، متضمن بررسی کلیه شرایط و احوال حاکم بر پرونده و حقوق و منافع طرفین دادرسی است و به همین دلیل، عدالت اقتضا می‌کند کلیه قضات دادگاه در این خصوص اعلام نظر نموده، در نهایت تصمیم اکثریت پذیرفته شود.

رعایت اصول انصاف و عدالت در جریان دادرسی (Terrier, 2002, p.1281)، ایجاد اطمینان در افکار عمومی جهان، افزایش درجه پذیرش آرای صادره و جلوگیری از ارتكاب جنایات بین المللی، از نتایج مهم علنی برگزار شدن محاکمات به شمار می‌رود. به همین دلیل تا زمانی که خطر جدی شهود و قربانیان را تهدید نکند و تا زمانی که اقدامات حمایتی دیگری همانند حذف نام شهود از اسناد عمومی دادگاه، انتخاب نام مستعار برای آنان و استفاده از وسایل تغییر صدا و تصویر که در ماده ۸۷ قواعد دادرسی پیش بینی شده است قابل اعمال باشد، دادگاه نباید متوسل به غیرعلنی برگزار نمودن جلسات دادرسی شود.

نتیجه

دادرسی علنی به عنوان یکی از تضمین‌های مهم حقوق دفاعی متهم به شمار می‌رود؛ زیرا وقتی جلسه رسیدگی به اتهام وی در برابر عموم برگزار می‌شود، دیگر خود را در برابر مقام قضایی

تنها و ناتوان نمی‌بیند و اطمینان دارد قاضی از بیم نظارت و داوری عمومی از قدرت دولتی خود سوءاستفاده نمی‌کند. نبود امکان اسقاط این حق از سوی متهم، به این سبب است که حق دادرسی علنی برای او، علاوه بر حق، تکلیف نیز می‌باشد؛ زیرا وی در برابر جامعه در انجام ندادن جرم تکلیف دارد و وقتی که مرتکب جرمی می‌شود، این حق برای مردم ایجاد می‌گردد که بر چگونگی محاکمه وی نظارت داشته باشند.

نظر به اینکه سالیان درازی از تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نورنبرگ و توکیو می‌گذرد، نقایص موجود در اساسنامه و عملکرد دادگاه‌های یادشده را نمی‌توان صرفاً به تشکیل این دادگاه‌ها از سوی متفقین و انتخاب قضات از جانب آنان منتسب دانست، بلکه علت اصلی را می‌توان در نبود اسناد بین‌المللی راجع به حقوق متهم در آن زمان جستجو کرد. به همین دلیل، برای قوانین داخلی کشورهای پیروز جنگ، سهم بسزایی در تنظیم مقررات اساسنامه در نظر گرفته شده، اما تحولات نیم قرن گذشته در زمینه حقوق متهم نشان داده است که قوانین یادشده از چنان استحکامی برخوردار نبوده‌اند که در این خصوص به‌عنوان مبنا قرار گیرند.

به این ترتیب، با توجه به وضعیت موجود پس از جنگ دوم جهانی و نبود تضمینات بین‌المللی، شاید نتوان از دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو به‌عنوان اولین دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به دلیل رعایت نکردن مطلوب حقوق متهم، انتقاد کرد. اما منطقی است که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا، جایگاه ویژه‌ای را به حقوق متهم اختصاص دهند؛ به‌ویژه آنکه مقررات راجع به این موضوع که در اساسنامه دادگاه‌های پیش‌گفته درج شده، عیناً انعکاسی از اسناد بین‌المللی حقوق بشر است.

در آخر و به‌عنوان نکته پایانی باید یادآور شد که در جریان دادرسی باید توجه کرد که رعایت اصل علنی بودن جلسه دادرسی در هر صورت نباید یکی از موجبات اطلاع دادرسی باشد. لازم به یادآوری است که اگر محاکم کیفری بین‌المللی در فرایند دادرسی (کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و صدور رای و درنهایت اجرای حکم)، صرف اساسنامه و آیین رسیدگی را فصل خطاب قرار دهند، آثار و تبعات آن هرچه باشد، جامعه بین‌المللی آن را می‌پذیرد و موجب اعتماد بیشتر مردم خواهد شد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آشوری، محمد، بشیریه، حسین، سید محمدیزدی، عبدالمجید (۱۳۸۳)، حقوق بشر و

-
-
- مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سازمان ملل متحد، برنامه عمران ملل متحد.
۲. تقی پور، علیرضا (۱۳۸۵)، حقوق متهم در دادرسی کیفری بین المللی، رساله مقطع دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۳. خالقی، علی (۱۳۸۳)، علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره، ص ۵۰-۲۹.
۴. فضائی، مصطفی (۱۳۹۲)، دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین المللی، چاپ سوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش.

ب) خارجی

5. Bassiouni, M. Cherif with the Collection of Alfred Dezayas, (1994). The Protection of Human Rights in the Administration of Criminal Justice. A Compendium of United Nations Norms and Sandards, Transnational Publishers Inc.
6. Brady, Helen, "Protective and Special Measure for Victims and Witnesses" In Roy s.Lee, Hakan Friman, Silvia A. Fernandez de Gurmendi, Herman Von Hebel and Darryl Robinnson (eds.)(2001). , The International Criminal Court: Elements of Crimes and Rules of Procedure and Evidence, Transnational Publishers Inc.
7. Cremona. C.F, (1988). "the Public Character of Trial and Judgment in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights", in Protection Human Rights, the European Dimension (studies in honour of Gerard J.Wiarda.
8. Donat – Cattin, David, "Article 68, No. 20." In Otto Triffterer (ed)(1999), Commentary on The Rome Statute of The International Criminal Court, Observers, Notes, Article by Article, Nomos Verlags, Baden – Baden.
9. Safferling, Christoph J.M,(2001). Towards an International Criminal Procedure, First Published, Oxford University Press.
10. Terrier, Frank, "The Procedure Before the Trial Chamber" In Antonio Cassese, Paola Gaeta and John R. W. D. Jones (eds.)(2002), The Rome Statute of The International Criminal Court: A Commentary, Vol. II., Oxford University Press.